

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال هشتم، شماره سوم، پیاپی (۲۹)، پاییز ۱۳۹۵
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۳/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۵
صص: ۱۸-۱

بررسی اثر سیاست پولی بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی کامیابی^{۱*}، رضا گرجیان مهلبانی^{**}

* استادیار حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

y.kamyabi@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

gorjianreza@yahoo.com

چکیده

سیاست پولی، بخشی از سیاست‌های اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد که از طریق آن مقامات پولی کشور تلاش می‌کنند، در چارچوبی هماهنگ با سایر سیاست‌های اقتصادی، عرضه پول را به نحوی کنترل کنند که متناسب با اهداف کشور باشد. مطالعه حاضر به بررسی اثر سیاست پولی بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ می‌پردازد. بدین منظور، نمونه آماری متشکل از ۷۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است و برای متغیر سیاست پولی از داده‌های سری زمانی استفاده شده است. در این پژوهش از روش رگرسیون ترکیبی در محیط داده‌های ترکیبی با استفاده از نرم‌افزار Eviews 9 استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری تأثیر مستقیم و معناداری دارد. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر این است که سیاست پولی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را تضعیف می‌کند. **واژه‌های کلیدی:** سیاست پولی، محافظه‌کاری حسابداری، اعتبار تجاری.

۱- نشانی مکاتباتی نویسنده مسؤول: بابلسر، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، گروه حسابداری.

مقدمه

ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، نقش انکارناپذیری در ارتقای کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی دارند. یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، محافظه‌کاری حسابداری است. مطابق مبانی نظری گزارشگری مالی استانداردهای ملی حسابداری، محافظه‌کاری حسابداری، یکی از ویژگی‌هایی است که باعث ارتقای قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌شود [۲۹]. از این‌رو، ادعا می‌شود که محافظه‌کاری حسابداری نقش با اهمیتی در سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری و به‌ویژه ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر داشته باشد. اما با تدوین چارچوب مفهومی مشترک هیأت تدوین استانداردهای حسابداری آمریکا و بین‌المللی، محافظه‌کاری حسابداری از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری حذف شده است [۳۸]. قانون‌گذاران بازارهای سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردها و دانشگاہیان، محافظه‌کاری را بدین دلیل انتقاد می‌کنند که این ارائه کمتر از واقع در دوره جاری باعث ارائه کمتر از واقع هزینه‌های دوره‌های آتی و از این‌رو باعث ارائه بیش از واقع سود در دوره‌های آتی می‌شوند. اما APB (هیأت تدوین اصول حسابداری) محافظه‌کاری را برای یک میثاق تعدیل‌کننده حسابداری مالی در بیانیه شماره ۴ فهرست‌بندی کرده است و بیان می‌کند که دارایی‌ها و بدهی‌ها اغلب در یک شرایط نامشخص ارزیابی می‌شوند و بنابراین حسابداران با رعایت احتیاط پاسخ می‌دهند.

تئوری تأمین مالی^۱ جایگزینی برای سهمیه‌بندی اعتباری است تا از برخی از شرکت‌ها برای به دست آوردن وام‌های بانکی اضافی جلوگیری کنند. بنابراین از

منظر تقاضاکنندگان، این شرکت‌ها در مقابل تأمین مالی اعتبار تجاری، هزینه‌های بالاتری را متحمل خواهند شد [۳۸]. از نظر عرضه‌کنندگان، تئوری قدرت بازار^۲ در نظر گرفته شده که ناشی از ابتکار عمل قدرت بازار و تأمین‌کنندگان (مشتریان) خواهد بود تا مقدار زیادی اعتبارات تجاری با هزینه کم را برای ترویج فروش (تدارکات) یک شرکت ارائه کند [۴۰]. هوی و همکاران [۲۷] استدلال می‌کنند شرکت‌های محافظه‌کارتر روش‌هایی دارند که به موقع زیان‌ها را تشخیص می‌دهند و از منافع مشتریان و تأمین‌کنندگان هنگام امضای قرارداد محافظت می‌کنند و زیان بالقوه ناشی از معاملات را کاهش می‌دهند. بنابراین، شرکت‌هایی که از لحاظ محافظه‌کاری حسابداری بهتر باشند، اعتبار تجاری بیشتری کسب خواهند کرد [۳۸].

سیاست پولی سیاستی است که بانک‌های مرکزی برای افزایش اشتغال و تنظیم نرخ تورم انجام می‌دهند که احتمال دارد شامل تغییر حجم پول، تغییر نرخ بهره و یا تغییر شرایط اعطای تسهیلات بانکی باشد. زمانی که سیاست پولی تغییر می‌کند، چگونه محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری تأثیر می‌گذارد؟ طبق نظر فریدمن سیاست پولی ابزاری ضعیف است و باید وقفه‌های طولانی‌مدت و عوامل ایجادکننده چنین وقفه‌هایی که بر سیاست پولی تأثیرگذار هستند، بررسی شود. کینز درباره اثربخشی سیاست پولی بدین بود، به‌طوری که معتقد بود پول، تناقضات زیادی حول منابع نااطمینانی در سازوکار انتقال آن به‌وجود می‌آورد. سیاست‌های پولی انقباضی به تدابیری گفته می‌شود که از طریق کاهش در عرضه پول، اهداف عمومی سیاست‌های پولی را برآورده می‌کند، یا به عبارت دیگر هر نوع تدابیر کاهشنده عرضه پول را سیاست پولی

² Market Power Theory

¹ Financing Theory

باز می‌دارد [۱۲]. محافظه‌کاری، در رایج‌ترین تعریف خود، برخورد متمایز با شناسایی سودها و زیان‌هاست. این برخورد نامتقارن، ناشی از قابلیت رسیدگی نامتقارنی است که برای سودها و زیان‌ها در نظر گرفته می‌شود [۴]. در اغلب چارچوب‌های نظری، محافظه‌کاری برای واکنش احتیاط‌آمیز به عدم اطمینان توصیف می‌شود. برای مثال استرلینگ [۳۹] محافظه‌کاری را مؤثرترین اصل ارزشیابی در حسابداری می‌داند. پژوهش‌های تجربی اخیر دربارهٔ محافظه‌کاری نشان می‌دهند نه تنها رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه است، بلکه در کشورهای انگلیسی‌زبان در ۳۰ سال گذشته این رویه‌ها محافظه‌کارانه‌تر شده است. در مفاهیم گزارشگری مالی، محافظه‌کاری بر عدم شناسایی بیش از واقع دارایی یا درآمد و عدم شناسایی کمتر از واقع بدهی یا هزینه، دلالت دارد. محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های مطلوب حسابداری است و در رابطه با ضرورت آن گفته می‌شود که از نگاه خوش‌بینانه مدیریت در گزارش‌های مالی شرکت منعکس می‌شود. زیان‌های احتمالی ناشی از این نگاه خوش‌بینانه ممکن است با اهمیت باشد. در نتیجه، حسابداری با نگاهی محافظه‌کارانه به رویدادهای مالی، ابعاد این زیان‌های بالقوه را کاهش می‌دهد [۲۸]. بیانیهٔ مفهومی شمارهٔ ۲ هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی^۱، محافظه‌کاری را واکنشی احتیاطی تعریف کرده است که در شرایط نبود اطمینان رخ می‌دهد و می‌کوشد این اطمینان معقول را ایجاد کند که نبود اطمینان و ریسک ذاتی در وضعیت شرکت، به قدر کافی مطرح شده است. محافظه‌کاری حسابداری این‌گونه بیان می‌شود که

انقباضی گویند [۱۰]. در دورهٔ سیاست پولی انقباضی، شرایط اعتباری بدتر می‌شود و آن را برای شرکت‌هایی که وام‌های بانکی گرفتند، سخت‌تر می‌کند [۴۵]. در همین حال، تأمین‌کنندگان یا مشتریان در رابطه با ارائهٔ اعتبار تجاری به دلیل افزایش عدم قطعیت در محیط اقتصادی، محتاطانه‌تر عمل می‌کنند. بنابراین، محافظه‌کاری حسابداری در کسب اعتبار تجاری، در زمانی که تقاضا برای اعتبار تجاری افزایش و عرضه برای آن کاهش می‌یابد (سیاست پولی انقباضی) تأثیر بیشتری می‌گذارد [۴۵].

مطالعات قبلی به تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبارات بانکی تمرکز داشتند [۱۸] و توجه کمتری به اعتبارات تجاری می‌کردند [۲۷]. با این حال، اعتبار تجاری به‌طور گسترده‌ای هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. از این رو، اعتبار تجاری نقش مهمی در اقتصاد ملی ایفا می‌کند. تمرکز بر محافظه‌کاری حسابداری و تغییرات در سیاست‌های پولی و چگونگی تأثیر این دو عنصر بر اعتبار تجاری موضوع مهمی است که کمتر پژوهشگران فوق بررسی کرده‌اند. از این رو پژوهش درصدد است بررسی کند آیا سیاست پولی بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری تأثیر دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

محافظه‌کاری حسابداری

یکی از مفاهیم مؤثر در گزارشگری مالی شرکت‌ها، محافظه‌کاری است که نفوذ آن در حسابداری سابقه‌ای طولانی دارد. رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه، مدیران را از رفتار فرصت‌طلبانه و خوش‌بینی بیش از حد در ارائهٔ سود

^۱ Financial Accounting Standard Board (FASB)

ممکن است خالص دارایی‌های گزارش شده در بلندمدت از ارزش بازار کمتر باشد [۲۱]. بر اساس این دیدگاه حسابداری، بهای تمام شده تاریخی رویه‌ای محافظه کارانه توصیف می‌شود، زیرا خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری در حساب‌ها کمتر از ارزش منصفانه‌شان گزارش می‌شود [۳۷]. در واقع به وسیله حسابداری محافظه کارانه، روش حسابداری و برآوردی انتخاب می‌شود که ارزش دفتری خالص دارایی‌ها را نسبتاً پایین نگاه دارد.

تئوری حسابداری اثباتی بیان می‌کند محافظه کاری، هزینه‌های قراردادهای بدهی را کاهش می‌دهد و بنابراین گزارشگری محافظه کارانه مزایایی را برای شرکت‌ها در پی دارد [۱۴]. شواهدی نیز مبنی بر چگونگی تأثیر محافظه کاری بر قراردادها وجود دارد. برای مثال گائ [۲۳] نشان داد که محافظه کاری با کاهش فرصت مدیران برای دستکاری سود، کارایی قراردادهای بدهی را افزایش و هزینه‌های قراردادها را کاهش می‌دهد. باسو [۱۷] بیان کرد محافظه کاری، تأییدپذیری متفاوت لازم برای شناسایی درآمدها و هزینه‌هاست که باعث کم‌نمایی سود و دارایی‌ها می‌شود [۲]. لافوند و واتس [۳۱] نیز در پژوهش خود شواهدی تجربی مبنی بر اینکه محافظه کاری بیشتر باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود، ارائه کردند. بر این اساس، احتمال دارد که محافظه کاری حسابداری، اعتبار تجاری شرکت‌ها را افزایش دهد.

اعتبار تجاری

اعتبار تجاری نقش اساسی در فعالیت‌های تجاری هر شرکتی دارد و نشان‌دهنده میزان اعتماد تأمین‌کنندگان و اعتباردهندگان به شرکت است و ابزار تأمین مالی کوتاه‌مدت محسوب می‌شود. شرکت‌های دارای اعتبار تجاری خوب، بدون پرداخت وجه نقد

کالا، خدمات مورد نیاز خود را از تأمین‌کنندگان دریافت می‌کنند و بانک‌ها و سایر اعتباردهندگان با بررسی اعتبار تجاری شرکت اقدام به اعطای تسهیلات می‌نمایند [۴۱]. مزیت اعتبار تجاری این است که نیازی نیست تا مشتری پولی برای دریافت کالا بپردازد و حساب بدهی یا پرداختی در ترازنامه مشتری ایجاد می‌شود و مشتری این پول را در نقاط زمانی در آینده پرداخت می‌کند. در این خصوص می‌توان حساب‌های دریافتی را جایگزین پول نقد در نظر گرفت؛ بنابراین اعتبار تجاری را می‌توان ابزار سرمایه‌گذاری کوتاه مدت دانست. اگر شرکت تخفیف دهد و مبلغ را در آخرین تاریخ مقرر پرداخت کند، می‌تواند هزینه فرصت وجود داشته باشد. اگر شرکتی پرداخت خود را به بعد از موعد مقرر موکول کند، هزینه‌های زیادی را متقبل خواهد شد [۱۹]. هزینه‌هایی نظیر جریمه دیرکرد پرداخت، هزینه تخفیف نقدی از دست رفته و ... در نتیجه، از نگاه انگیزه احتیاطی پول^۱ (افراد به دلیل حوادث پیش‌بینی نشده، مقداری از پول خود را نگهداری می‌کنند که به آن انگیزه احتیاطی پول گفته می‌شود)، شرکت‌هایی که از اعتبار تجاری استفاده می‌کنند، باید نقدینگی برای رویارویی با تعهدات بازپرداخت خود داشته باشند [۸].

قدیمی‌ترین تئوری اعتبار تجاری که فروشنده در دسترس خریدار قرار می‌دهد، از نوع تأمین مالی است [۲۰]. ممکن است از طریق یک قرارداد رسمی مانند یک سند وام و یا به صورت غیررسمی از طریق فاکتورها مبادرت به تبادل کالا یا خدمات و شرایط اعتباری کند. بنابراین، اعتبار تجاری جایگزینی برای مؤسسات تأمین مالی است. بر اساس این نظریه،

^۱ Precautionary Motive Money

تأمین‌کنندگان در ارائه اعتبارات تجاری به خریداران، مزایای متعددی نسبت به مؤسسات تأمین مالی دارند [۱۹]. یکی از این مزیت‌ها این است که تأمین‌کننده ارتباط نزدیکی با خریدار، در یک موقعیت برتر، نه‌تنها برای ارزیابی اعتبار مشتریان خود، بلکه در نقش نظارت‌کننده دارد. چنین مزیتی برای مؤسسات مالی وجود ندارد [۱۹]. اگر کالا ارزش بیشتری داشته باشد، مبالغی برای وثیقه به فروشندگان مؤسسات مالی داده خواهد شد. فروشنده نیز این کاهش ریسک اعتباری را در نظر گرفته و در نتیجه می‌تواند شرایط اعتباری بهتری را نسبت به مؤسسات مالی ارائه دهد [۳۶]. اگر پرداخت به تعویق افتاد، تأمین‌کننده نیز می‌تواند خریداران را تهدید به توقیف منابع کند. چنین مزیتی در اختیار بانک‌ها یا مؤسسات مالی نیست.

سیاست پولی

به‌طور کلی سیاست پولی بخشی از سیاست‌های اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد که از طریق آن مقامات پولی کشور تلاش می‌کنند در چارچوبی هماهنگ با سایر سیاست‌های اقتصادی، عرضه پول را به نحوی کنترل کنند که متناسب با اهداف کشور باشد. بدین ترتیب سیاست‌های پولی به مجموعه تدبیرها و تصمیم‌هایی گفته می‌شود که از طریق بانک مرکزی برای کنترل حجم پول و اعتبار در نظر گرفته می‌شود تا از طریق تغییرات عرضه پول و نرخ بهره جریان مخارج جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه رسیدن به اهداف اقتصادی تسهیل شود [۱۱].

سیاست پولی با نرخ‌های بهره و فراهم‌بودن اعتبار در ارتباط است. ابزار سیاست پولی شامل نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت و ذخایر بانکی از طریق پایه پولی بوده است. برای قرن‌های متمادی فقط دو شکل

سیاست پولی وجود داشت: ۱. تصمیمات در مورد ضرب سکه، ۲. تصمیم برای چاپ پول کاغذی برای خلق اعتبار. در حالی که نرخ‌های بهره هم‌اکنون بخشی از قدرت پولی در نظر گرفته می‌شود، در گذشته به‌طور کلی سیاست پولی یک تصمیم اجرایی دیده می‌شد و در اختیار صاحبان قدرت با حق ضرب سکه بود. با پیدایش و پدیدآمدن شبکه‌های بزرگتر تجارت، رابطه بین نقره و طلا و بین پول رایج محلی و پول‌های رایج خارجی قیمتی برقرار شد. این نرخ رسمی می‌توانست به‌وسیله قانون ضمانت شود، حتی اگر با قیمت بازار تفاوت داشت. سیاست مالی، سیاستی است که از طریق ابزارهایی نظیر تغییر در هزینه‌های دولتی و مالیات سعی می‌کند به اهداف معین اقتصادی برسد. سیاست پولی به سیاستی گفته می‌شود که می‌خواهد از طریق تغییر و کنترل در حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف معین اقتصادی برسد. ابزارهای دوگانه سیاست‌های مالی و پولی، اهرم‌هایی هستند که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف نهایی اقتصادی استفاده می‌کنند [۱۱].

به‌طور کلی دو دیدگاه کینزینی و کلاسیکی در سیاست‌های پولی وجود دارد. بر اساس نظر کینز و طرفدارانش، سیاست پولی کارایی لازم را در توسعه فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری ندارد. بر اساس این نظریه، هزینه‌های دولت و مالیات ممکن است با تأثیر شدید در سطح تقاضای کل و به‌ویژه افزایش تقاضا، افزایش‌دهنده درآمد و تولید ملی باشد. بر اساس دیدگاه کلاسیک‌های جدید و طرفداران مکتب پولی، بهترین راه مقابله با نوساناتی مانند تورم و کساد، سیاست پولی است. طرفداران سیاست پولی متقابلاً برای سیاست مالی تأثیر چندانی قائل نیستند؛

زیرا بر اساس تحلیل آن‌ها اگر دولت هزینه‌های خود را افزایش دهد به معنای رقابت با بخش خصوصی برای تأمین مالی است که با انتشار اوراق قرضه با سود بیشتر همراه است [۱۱].

محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری

سودهای حسابداری، نقش مهمی در روند امضای قرارداد بین سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان یا مشتریان ایفا می‌کنند. بر اساس گفته ویلیامسون [۴۲]، معاملات را می‌توان به سه دسته معاملات گسسته، معاملات بلندمدت و معاملات رابطه‌ای تقسیم کرد. معاملات گسسته، معمولاً شروع فردی دارد، کوتاه‌مدت است و پایانی سریع دارد. معاملات بلندمدت، قراردادی بلندمدت دارد و ممکن است این قرارداد ناقص باشد، بنابراین نمی‌تواند تمام تغییرات آتی را پوشش دهد. معاملات رابطه‌ای نیز قراردادی بلندمدت دارد و شامل سرمایه‌گذاری‌های خاص است. از منظر کاهش هزینه معاملات، معاملات بین شرکت و تأمین‌کنندگان یا مشتریان معمولاً معاملات بلندمدت و یا رابطه‌ای است [۲۷]. در حالی که معاملات رابطه‌ای، نیازمند توافقات قبلی است، بلندمدت و منعکس‌کننده فرایندهای مداوم است که به معنای تغییر تمرکز از تولید و شرکت واحدهای تجزیه و تحلیل برای افراد و روابط بین سازمان‌هاست.

با توجه به کامل نبودن قراردادهای بلندمدت، به دلیل نواقصی که در طول این مدت پیش می‌آید و نبود پوشش تغییرات آتی، به احتمال زیاد، شرکت‌ها رفتار فرصت‌طلبانه‌ای را اتخاذ می‌کنند. به‌طور خاص، در معاملات رابطه‌ای که در آن تأمین‌کنندگان و مشتریان اغلب، نیاز به سرمایه‌گذاری دارایی‌های ویژه دارند، اگر شرکت معامله را به دلیل مشکلات مالی و یا دلایل دیگر لغو کند، تأمین‌کنندگان و مشتریان

هزینه‌های بالایی را متحمل خواهند شد [۲۷]. تأمین‌کنندگان و مشتریان قادر خواهند بود تا تغییرات اخیر در شرایط عملیاتی شرکت را از طریق معاملات تجاری خود مشاهده کنند، بنابراین مزایای این اطلاعات بیشتر از بانک‌ها و دیگر مؤسسات اعتباری خواهد بود [۳۳].

بر خلاف سهامداران، تأمین‌کنندگان و مشتریان، اعتباردهندگان اصلی در معاملات اعتبار تجاری هستند که تابع سودشان نامتقارن است [۱۹]. با اینکه آن‌ها خطر ورشکستگی شرکت را متحمل می‌شوند، ولی در ارزش دارایی‌هایشان چیزی افزوده نمی‌شود و در رابطه با عملکرد یک شرکت، به اخبار بد نسبت به اخبار خوب توجه بیشتری دارند [۱۹]. با این حال، مدیران شرکت‌ها نسبت به سایر صاحبان سود مزیت اطلاعاتی بیشتری دارند و به دلیل منافع شخصی، تمایل دارند تا هر خبر بدی را مخفی کنند. بدین ترتیب، منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان از طریق عدم تقارن اطلاعاتی، در زمانی که مدیران در رابطه با خبر بد برای یک شرکت، گزارش نسبتاً کمی ارائه می‌کنند، آسیب خواهند دید [۱۹]. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان از منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان در یک معامله محافظت کرد؟ هوی و همکاران [۲۷] بیان می‌کنند محافظه‌کاری یکی از سازوکارهای عملی برای ارائه چنین حفاظتی است. محافظه‌کاری تصریح می‌کند که یک شرکت نمی‌تواند مزیت بالقوه را به رسمیت بشناسد، اما باید زیان بالقوه را به موقع تشخیص دهد [۱۷]. بر این اساس، منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان ممکن است از طریق دو سازوکار محافظت شود [۱۹]؛ نخست با مهار سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری ناکافی، محافظه‌کاری حسابداری ممکن

ارائه اعتبار تجاری بیشتر می‌شوند [۴۴]. در مقابل، اگر گزارش حسابداری یک شرکت محافظه‌کاری کمتری داشته باشد، نمی‌توان از منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان محافظت کرد و شرایط پرداخت ضروری، برای تأمین‌کنندگان و مشتریان دقیق‌تر خواهد بود، به این دلیل که آن‌ها تمایل دارند تا از منافع خود محافظت کنند و با اطمینان کامل ریسک‌ها را کنترل کنند [۱۹]. بر این اساس، آن‌ها مبلغ زیادی از اعتبار تجاری را ارائه نخواهند داد.

سیاست پولی، محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری
سیاست‌های پولی دولت، وسیله مداخله‌کننده و تنظیم‌کننده کلان اقتصادی مهمی است [۱۹]. وقتی سیاست پولی از حالت ضعیف به حال قوی تغییر می‌کند، شرکت‌ها با محیط کلان اقتصادی متفاوتی، روبه‌رو خواهند شد. در نتیجه ممکن است، رفتار سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سهامداران را تغییر دهد [۲۶]. در یک دوره با اتخاذ سیاست انقباضی، درجه عدم اطمینان درباره آینده‌ای که شرکت‌ها با آن‌ها روبه‌رو خواهند شد، افزایش می‌یابد.

با توجه به نواقص بازار سرمایه، مشکل عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های قراردادی، با عملیات اقتصادی واقعی مشترک مرتبط است [۱۹]. سیاست‌های پولی ممکن است بر اعتبار بانکی در دسترس تأثیر بگذارد و بر این اساس بر رفتار سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سهامداران تأثیرگذار باشند. شواهد بسیاری از مطالعات تجربی ارائه شده که سیاست پولی سختگیرانه دولت‌ها، بر تأمین مالی را تأثیر می‌گذارند [۱۹]. این سابقه مطالعاتی نشان می‌دهد که سیاست پولی سختگیرانه، وجوه در دسترس برای بانک‌ها را از طریق وام‌ها کاهش و مشکل اخذ وام را افزایش می‌دهد و در نتیجه بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها

است سودآوری آینده یک شرکت را بهبود ببخشد و از همکاری بلندمدت با تأمین‌کنندگان و مشتریان اطمینان حاصل کند. محافظه‌کاری حسابداری نتایج حاصل از زیان سرمایه‌گذاری را به موقع در گزارش مدیریت، منعکس خواهد کرد، به طوری که سهامداران این نتایج را از طریق سیگنال دریافت خواهند کرد. آن‌ها با مشاهده منفی بودن ارزش فعلی خالص یک پروژه سرمایه‌گذاری، از سرمایه‌گذاری بیش از حد جلوگیری خواهند کرد [۱۶]. در همان زمان، محافظه‌کاری حسابداری ممکن است به کمک کاهش سرمایه‌گذاری ناکافی، هزینه‌های تأمین مالی شرکت را بالاتر یک شرکت، سودآوری آینده آن شرکت را زیادتر می‌کند و هزینه پروژه‌های ویژه سیر نزولی خواهند داشت [۱۳]. سودآوری بیشتر یک شرکت باعث همکاری پایدار با تأمین‌کنندگان و مشتریان می‌شود و نیز باعث می‌گردد آن‌ها اعتبارات تجاری بیشتری برای آن شرکت‌ها فراهم کنند و بر اساس انتظارات و همکاری‌های بلندمدت در آینده اطمینان حاصل نمایند [۱۹].

دوم، محافظه‌کاری حسابداری ممکن است به تأمین‌کنندگان و مشتریان کمک کند تا به سرعت عملکرد ضعیف یک شرکت را شناسایی کنند [۱۹]. بنابراین، محافظه‌کاری حسابداری بالاتر، باعث می‌شود نرخ بهره وام پرداخت‌شده به وسیله شرکت کاهش یابد. به طور مشابه، محافظه‌کاری نیز عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و از منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان به میزان بیشتری محافظت می‌کند و به هر دو طرف یک قرارداد برای ایجاد روابط همکاری با اعتماد متقابل کمک می‌کند؛ به طوری که تأمین‌کنندگان و مشتریان مایل به پذیرفتن درجه معینی از ریسک و

بیشتری کسب می‌کنند و این ارتباط تحت سیاست پولی انقباضی مثبت می‌شود. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که محافظه‌کاری می‌تواند درجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد و به طور مؤثر از منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان محافظت کند. از این رو به هر دو طرف در انعقاد قرارداد به منظور ایجاد روابط همکاری با اعتماد متقابل کمک می‌کند، به طوری که تأمین‌کنندگان و مشتریان به پذیرفتن درجه خاصی از ریسک متمایل می‌شوند و اعتبار تجاری بیشتری را کسب می‌کنند. این تأثیرات به‌ویژه در شرکت‌های خصوصی، به دلیل موقعیت قوی در بازار درخور توجه است.

طالب‌نیا و مهدوی [۸] به بررسی اثر اعتبار تجاری و عمق مالی بر میزان نگهداشت وجه نقد پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر این است که رابطه معکوس و معناداری بین اعتبار تجاری شرکت‌ها و سطح نگهداشت وجه نقد آن‌ها وجود دارد؛ به طوری که با افزایش اعتبار تجاری شرکت‌ها از سطح نگهداشت وجه نقد آن‌ها کاسته می‌شود. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد بین عمق مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و سطح نگهداشت وجه نقد آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

گارسیا و همکاران [۲۴] در پژوهش خود به بررسی رابطه بین کیفیت سود و اعتبار تجاری پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از نوسان‌پذیری سود، همواربودن سود، قابلیت پیش‌بینی سود و کیفیت اقلام تعهدی، به عنوان معیارهایی برای کیفیت سود استفاده کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر چه سود نوسان‌پذیری کمتری داشته و هموارتر باشد، قابلیت پیش‌بینی بیشتری داشته باشد و همچنین کیفیت اقلام تعهدی بیشتر باشد، میزان اعتبار تجاری

تأثیرگذار خواهد بود [۴۳]. علاوه بر این، با افزایش نرخ بهره وام‌ها، هزینه سرمایه این شرکت‌ها افزایش می‌یابد [۳۵]. بر این اساس، تحت یک سیاست پولی سختگیرانه، هزینه‌های تأمین مالی شرکت‌ها افزایش یافته، مقیاس تأمین مالی محدود شده و مشکل سهمیه‌بندی (جیره‌بندی) اعتباری بدتر خواهد شد [۱۹].

سهمیه‌بندی اعتباری باعث می‌شود، شرکت‌ها در کسب منابع مالی اعتبار بانکی دچار مشکل شوند و نیز به تأمین مالی اعتبار تجاری، بیشتر وابسته شوند [۱۹]. در نتیجه آن‌ها نیاز به یک سیاست حسابداری محافظه‌کارانه بالاتر، برای شرکت‌هایشان دارند تا هر چه زودتر قادر به تنظیم سیاست‌های اعتباری باشند [۱۹]. بر اساس این فرضیه، نسبت به دوره سیاست‌های پولی انبساطی، تأمین‌کنندگان و مشتریان در دوره اتخاذ سیاست پولی انقباضی، بیشتر تمایل به ارائه اعتبار تجاری برای شرکت‌های با محافظه‌کاری بالاتر خواهند داشت و پس از آن اعتبار تجاری با شدت بیشتر در این شرکت‌ها جریان خواهد یافت [۱۹].

ایزدی‌نیا و طاهری [۱] رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد بین همواربودن سود و محافظه‌کاری با اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین مدیریت سود و اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

دای و یانگ [۱۹] اثر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را با در نظر گرفتن اثر سیاست‌های پولی با استفاده از یک نمونه از سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در چین بررسی کردند. نتایج نشان داد شرکت‌های با محافظه‌کاری بالاتر، اعتبار تجاری

بیانگر وجود پیامد اقتصادی مثبت در به‌کارگیری سیاست‌های گزارشگری محافظه‌کارانه است.

شریفی‌رنانی و همکاران [۷] تأثیرگذاری سیاست پولی بر بخش‌های اقتصادی را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زمانی که از نسبت سپرده قانونی برای متغیر سیاستی استفاده شود، هم در میان‌مدت و هم در بلندمدت کانال نرخ ارز مؤثرترین کانال در انتقال سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی اسمی بوده است، اما در کوتاه‌مدت نقش کانال شاخص قیمت مسکن در انتقال تغییرات حجم پولی مؤثرتر است.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش بر اساس مبانی نظری و پیشینه تجربی مطرح‌شده، فرضیه‌های زیر طراحی شده است: فرضیه اول: محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: سیاست پولی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را تشدید (یا تضعیف) می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و همچنین از نظر داده‌ها و زمان گردآوری اطلاعات، از نوع داده‌های ترکیبی و تاریخی است؛ زیرا نمونه‌های موجود، در طول دوره‌های زمانی مختلف تجزیه و تحلیل می‌شوند. روش پژوهش بر اساس خصوصیت موضوع از نوع توصیفی - همبستگی است. اطلاعات گردآوری‌شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه صورت‌های

افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، با افزایش کیفیت سود، اعتبار تجاری افزایش می‌یابد.

خانعلی‌زاده و همکاران [۵] اعتبار تجاری و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش بیانگر این است بین حساب پرداختنی و بازده دارایی‌های شرکت، دوره پرداخت به بستانکاران شرکت، بازده سرمایه به‌کار گرفته‌شده شرکت، حاشیه سود خالص شرکت، بازده سرمایه‌گذاری شرکت رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

هیو و همکاران [۲۷] به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر رابطه بین عرضه‌کنندگان و مشتریان پرداختند. برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل باسو استفاده شد. یافته‌ها بیانگر آن است که عرضه‌کنندگان ترجیح می‌دهند تا مشتریان گزارش‌های خود را محافظه‌کارانه‌تر تهیه و ارائه کنند.

ونفنگ و و همکاران [۴۱] در مقاله‌ای به بررسی روابط میان توسعه مالی و اعتبار تجاری با میزان سرمایه‌های نقدی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که عمق مالی (افزایش دارایی‌های مالی نسبت به دارایی‌های غیرمالی بیشتر باشد) به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در کوتاه‌مدت از اعتبار تجاری بهتر استفاده کنند و وجه نقد کمتری را نگهداری کنند؛ همچنین شرکت‌هایی که عمق مالی بیشتری دارند، می‌توانند دریافتی‌های بیشتری را به پول نقد تبدیل کنند و پول نقد کمتری برای بازپرداخت بدهی‌ها نگهداری کنند.

آرتیاچ و کلارکسن [۱۵] تأثیر محافظه‌کاری و افشاء به صورت انفرادی و جمعی بر هزینه سرمایه در شرکت‌های ایالات متحده را بررسی کردند. نتایج این پژوهش رابطه معکوس بین محافظه‌کاری و هزینه سرمایه را نشان می‌دهد. علاوه بر این نتایج پژوهش

$C-Score$ به شرح رابطه (۳) محاسبه می‌گردد:

$$\frac{X_{it}}{P_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + (\mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 MB_{it} + \mu_4 LEV_{it}) \times RET_{it} + (\lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 MB_{it} + \lambda_4 LEV_{it}) \times DR_{it} \times RET_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 DR_{it} \times SIZE_{it} + \beta_8 DR_{it} \times MB_{it} + \beta_9 DR_{it} \times LEV_{it}$$

$$G-Score = \beta_2 = \mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 MB_{it} + \mu_4 LEV_{it}$$

$$C-Score = \beta_3 = \lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 MB_{it} + \lambda_4 LEV_{it}$$

رابطه (۳)

برابر است با سود هر سهم شرکت i تقسیم بر قیمت سهام در ابتدای سال t . RET_{it} : برابر است با بازده سالانه سهام شرکت i منهای بازده بازار در سال t . DR_{it} : برابر است با متغیر مصنوعی بازده سهام شرکت i در سال t ، در صورتی که $RET_{it} \geq 0$ باشد برابر ۱، و در غیر این صورت برابر صفر است. $SIZE_{it}$: برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها. MB_{it} : برابر است با نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام. LEV_{it} : برابر است با نسبت کل بدهی به کل دارایی [۱۹].

$C-Score$: بر اساس به موقع بودن خبر بد اندازه‌گیری می‌شود (یعنی سطح محافظه‌کاری). ارزش بالاتر $C-Score$ ، نشان‌دهنده درجه بالای محافظه‌کاری حسابداری است [۱۹].

متغیر تعاملی

سیاست پولی (θM_2)

عرضه پول که نماینده سیاست پولی است، به دو صورت تعریف می‌شود: یکی تعریف محدود عرضه

مالی شرکت‌هاست. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیونی در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ با استفاده از روش داده‌های تابلویی (ترکیبی) بهره گرفته شد. برای تحلیل آماری از نرم‌افزار 9 Eviews استفاده شده است.

رابطه (۱) برای آزمون فرضیه اول و رابطه (۲) برای آزمون فرضیه دوم استفاده شده است.

$$TC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 C-Score_{it} + \beta_2 MPOWER_{it}$$

$$+ \beta_3 LOAN_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 LIQ_{it} + \beta_8 EBIT_{it} + \beta_9 GROWTH_{it} + \beta_{10} GOVINDE_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۱)

$$TC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 C-Score_{it} + \beta_2 \theta M_2$$

$$+ \beta_3 \theta M_2 \times C-Score_{it} + \beta_4 MPOWER_{it} + \beta_5 LOAN_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 CFO_{it} + \beta_9 LIQ_{it} + \beta_{10} EBIT_{it} + \beta_{11} GROWTH_{it} + \beta_{12} GOVINDE_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲)

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

اعتبار تجاری (TC)

برای اندازه‌گیری اعتبار تجاری، از فرمول استخراج شده ژانگ و همکاران [۴۵] استفاده شد.

$$TC = \frac{\text{پیش دریافت از مشتریان} + \text{حسابها و اسناد پرداختنی}}{\text{کل داراییها}}$$

متغیر مستقل

محافظه‌کاری حسابداری

برای تجزیه و تحلیل اندازه‌گیری متغیر محافظه‌کاری حسابداری، روش جدید و بهبودیافته $C-Score$ خان و واتس [۳۰] اتخاذ شد.

رابطه (۵)

LIQ_{it} : نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌های شرکت i در سال t است [۱۹].

$EBIT_{it}$: نسبت سودآوری شرکت i در سال t است که به صورت رابطه (۶) محاسبه می‌شود [۱۹].

$$EBIT_{it} = \frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات}}{\text{کل دارایی‌ها}} \quad \text{رابطه (۶)}$$

$GROWTH_{it}$: نرخ رشد شرکت i در سال t است که به صورت رابطه (۷) محاسبه می‌شود [۱۶].

$$GROWTH_{it} = \frac{\text{فروش سال قبل} - \text{فروش سال جاری}}{\text{فروش سال قبل}}$$

رابطه (۷)

$GOVINDEX_{it}$: شاخص راهبری شرکت i در سال t است، برای بررسی شاخص راهبری شرکتی از ۲۵ معیار حساس‌یگانه [۳] استفاده می‌شود. این معیارها در سه طبقه شفافیت اطلاعاتی، ساختار هیأت‌مدیره و ساختار مالکیت مطرح شده‌اند که هر یک از این طبقات دارای یک‌سری از مؤلفه‌هاست. برای اندازه‌گیری شاخص راهبری شرکتی، از تحلیل محتوای گزارش سالانه فعالیت هیأت‌مدیره و سایت کدال شرکت‌ها استفاده شده است. به این صورت که در صورت افشای هر یک از معیارهای مطرح‌شده، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر داده می‌شود و سپس شاخص راهبری شرکتی هر یک از شرکت‌ها با استفاده از رابطه (۸) محاسبه می‌شود.

$$CG = \frac{\text{تعداد اقلام افشاء شده}}{\text{تعداد کل اقلام قابل افشاء}} \quad \text{(شاخص راهبری شرکتی)}$$

رابطه (۸)

پول است که شامل پول‌های نقد (سکه و اسکناس) در دست مردم به اضافه سپرده‌های دیداری بخش خصوصی نزد بانک‌هاست که به آن M_1 یا حجم پول گفته می‌شود. دیگری شبه‌پول است که برابر جمع سپرده‌های غیر دیداری است. به جمع پول و شبه‌پول حجم نقدینگی (M_2) گفته می‌شود که همان تعریف گسترده‌ی عرضه پول است. در این پژوهش برای دریافت داده‌های حجم نقدینگی یا M_2 از داده‌های سری زمانی بانک مرکزی استفاده شد [۶].

متغیرهای کنترلی

$MPOWER_{it}$: قدرت بازار شرکت i در سال t است، بدین صورت که اگر سهام بازار یک شرکت $\left(\frac{\text{درآمدفروش}}{\text{کل درآمد فروش صنعت}}\right)$ از میانگین صنعت بیشتر باشد، $MPOWER = 1$ در غیر این صورت، $MPOWER = 0$ است [۴۵].

$LOAN_{it}$: وام بانکی شرکت i در سال t است و به صورت رابطه (۴) محاسبه می‌شود: [۱۹].

$$LOAN_{it} = \frac{\text{وام‌های کوتاه مدت} + \text{وام‌های بلند مدت}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

رابطه (۴)

AGE_{it} : سن شرکت، برابر سال تأسیس شرکت تا سال شروع بازه زمانی پژوهش است [۱۹].

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت i در سال t است که برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی است [۱۹].

CFO_{it} : خالص جریان وجه نقد عملیاتی شرکت i در سال t است که به صورت رابطه (۵) محاسبه می‌شود [۱۹].

$$CFO_{it} = \frac{\text{خالص جریان وجه نقد از فعالیت‌های عملیاتی}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در نگاره (۱) ارائه شده است.

میانگین و میانه اعتبار تجاری به ترتیب ۰/۰۹۳۴ و ۰/۰۶۵۳ و میانگین و میانه محافظه‌کاری حسابداری به ترتیب ۰/۸۱۷ و ۰/۷۵۵ است.

انحراف معیار داده‌ها، پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم نشان‌دهنده

پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد نشان‌دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین است. متغیر شاخص راهبری شرکتی با انحراف معیار ۰/۰۹۱۹ دارای کمترین پراکندگی از میانگین و متغیر عمر شرکت با انحراف معیار ۱۳/۹۸۱۴ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است. در بررسی ضریب کشیدگی مشاهده می‌شود که تمام متغیرهای بررسی شده دارای ضریب کشیدگی مثبت یعنی بلندتر از توزیع نرمال هستند.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	معیارها					
	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی
اعتبار تجاری	۰/۰۹۳۴	۰/۰۶۵۳	۰/۶۴۱۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۹۵۳	۲/۳۷۹
محافظه‌کاری	۰/۸۱۷۴	۰/۷۵۵۲	۱/۶۳۷۴	۰/۰۳۵۷	۰/۴۷۸۲	۰/۰۷۲۵
سیاست پولی	۲۳/۹۶۱۰	۲۳/۸۶۷۸	۲۳/۶۵۸۳	۲۲/۱۲۵۵	۰/۳۶۳۰	۰/۰۷۴۷
نرخ رشد	۰/۲۵۹۰	۰/۱۸۷۷	۱۱/۵۶۸۲	-۰/۸۶۵۱	۰/۶۶۲۱	۱۳/۲۹۲۵
قدرت بازار	۰/۲۰۳۴	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۲۳۱	۱/۴۷۳۳
محافظه‌کاری * سیاست پولی	۱۹/۵۷۹۶	۱۷/۷۵۶۱	۳۸/۷۴۰۰	۰/۷۹۰۷	۱۰/۶۹۳۶	۰/۰۸۳۳
عمر شرکت	۳۶/۸۱۴۲	۳۸/۰۰۰۰	۳۶/۰۰۰۰	۸/۰۰۰۰	۱۳/۹۸۱۴	۰/۲۱۲۷
نسبت وام بانکی	۰/۲۸۴۶	۰/۲۴۹۵	۲/۵۷۷۸	۰/۰۰۰۰	۰/۲۵۵۵	۴/۴۶۰۰
اندازه شرکت	۱۳/۳۷۶۴	۱۳/۳۳۰۴	۱۶/۲۸۰۷	۱۰/۸۰۹۸	۱/۱۱۴۰	۰/۲۴۹۱
جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۱۶۳۸	۰/۱۵۱۱	۰/۶۵۶۱	-۰/۲۸۶۳	۰/۱۶۸۶	۰/۴۱۹۲
نسبت دارایی جاری	۰/۶۲۸۶	۰/۶۲۳۴	۸/۵۶۵۱	۴/۰۷۵۶	۰/۴۸۱۳	۱۲/۸۲۷۰
نسبت سودآوری	۰/۱۸۹۵	۰/۱۶۹۳	۰/۸۳۰۶	-۰/۳۰۱۷	۰/۱۵۸۶	۰/۵۶۰۱
شاخص راهبری شرکتی	۰/۴۹۹۵	۰/۴۸۰۰	۰/۶۴۰۰	۰/۲۴۰۰	۰/۰۹۱۹	-۰/۱۱۸۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی ناهمسانی واریانس

چنانکه رابطه از نوع داده‌های ترکیبی باشد، ناهمسانی واریانس نیز بررسی می‌شود. در این مطالعه برای بررسی ناهمسانی از آزمون وایت استفاده شده است. مقدار به دست آمده از آزمون وایت در رابطه

اول نشان می‌دهد که ناهمسانی واریانس وجود ندارد، ولی در رابطه دوم ناهمسانی واریانس وجود دارد، لذا در آزمون فرضیه دوم از حداقل مربعات تعمیم‌یافته به جای حداقل مربعات معمولی استفاده شد. نتایج آزمون وایت در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره ۲. نتایج آزمون (وایت) برای رابطه اول و دوم پژوهش

شرح	رابطه	آماره	ضریب متقاطع
آماره	اول	۰/۸۴۳۵۳۰	۸/۴۹۷۵۷۱
احتمال		۰/۵۸۶۹	۰/۵۸۰۴
آماره	دوم	۲۷/۱۲۲۸۹	۱۷۵/۳۵۴۵
احتمال		۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون انتخاب روش تخمین مدل

نگاره (۳) نتایج آزمون چاو و هاسمن را برای فرضیه اول و دوم پژوهش نشان می‌دهد.

نگاره ۳. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای رابطه اول و دوم پژوهش

رابطه	نوع آزمون	آماره آزمون	احتمال آماره آزمون	نتیجه آزمون
اول	چاو	۹/۴۲۲۹۳۵	۰/۰۰۰۰	تأیید روش تابلویی با اثرات ثابت
	هاسمن	۳۰/۵۴۰۸۶۷	۰/۰۰۰۰۷	تأیید روش اثر ثابت بر اثر تصادفی
دوم	چاو	۴/۲۰۵۱۷۳	۰/۰۰۰۰	تأیید روش تابلویی با اثرات ثابت
	هاسمن	۲۲/۶۳۴۱۱۹	۰/۰۳۱۰	تأیید روش اثر ثابت بر اثر تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نگاره (۳) چون احتمال آماره آزمون چاو کمتر از ۵ درصد است، پس استفاده از مدل داده‌های تلفیقی رد می‌شود. در مرحله بعدی برای انتخاب بین اثر ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. از آنجایی که احتمال آماره آزمون هاسمن نیز کمتر از ۵ درصد است، بنابراین روش اثر ثابت پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه اول

همان‌طور که در نگاره (۴) نشان داده شده است، برای رابطه (۱) آماره دوربین و اتسون برابر با ۱/۷۴۸۹ است و خودهمبستگی بین متغیرها وجود ندارد. همچنین مقدار احتمال مربوط به آماره F برای تصریح برابر صفر است و معناداری آماره F نشان‌دهنده معناداری کلی مدل پژوهش است. در نتیجه، نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل برابر ۰/۶۹ است. این آماره نشان می‌دهد که ۶۹ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی قابل توصیف است. با توجه به مدل یعنی ۶۹ درصد تغییرات اعتبار تجاری به وسیله محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌ها، نرخ رشد، قدرت بازار، عمر شرکت، وام بانکی، اندازه شرکت، جریان وجه نقد عملیاتی، نسبت دارایی‌های جاری، سودآوری و

شاخص راهبری شرکتی قابل توصیف است. با توجه به ضرایب به دست آمده (۰/۰۱۸۳) و معناداری مربوط به آماره t (۰/۰۰۵۶) می‌توان گفت محافظه‌کاری حسابداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر مستقیم و معناداری با اعتبار تجاری دارد. یعنی هر چه شرکت‌ها محافظه‌کارانه‌تر عمل کنند، می‌توانند اعتبار تجاری بالاتری را در بازار کسب کنند.

نگاره ۴. بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری

متغیر وابسته: اعتبار تجاری (TC)					
متغیر	علامت اختصاری	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۰/۵۴۰۵	۰/۱۳۰۱	۴/۱۵۲۶	۰/۰۰۰۰
محافظه‌کاری	C-Score	۰/۰۱۸۳	۰/۰۰۶۵	۲/۷۹۱۴	۰/۰۰۵۶
نرخ رشد	GROWTH	۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۴۹	۱/۳۵۱۹	۰/۱۷۷۵
قدرت بازار	MPOWER	۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۸۰	۰/۵۹۴۷	۰/۵۵۲۵
عمر شرکت	AGE	-۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۳۴	-۱/۹۶۴۱	۰/۰۵۰۵
نسبت وام بانکی	LOAN	-۰/۰۷۳۳	۰/۰۲۰۹	-۳/۵۰۱۹	۰/۰۰۰۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۲۰۵	۰/۰۱۳۴	-۱/۵۳۱۱	۰/۱۲۶۹
جریان وجه نقد عملیاتی	CFO	۰/۰۶۵۲	۰/۰۳۱۰	۲/۰۹۸۴	۰/۰۳۶۸
نسبت دارایی جاری	LIQ	-۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۷۵	-۰/۳۹۸۷	۰/۶۹۰۴
نسبت سودآوری	EBIT	-۰/۱۳۶۸	۰/۰۴۱۷	-۳/۲۷۹۷	۰/۰۰۱۲
شاخص راهبری شرکتی	GOVINDEX	۰/۲۰۶۵	۰/۰۸۵۶	۲/۴۱۳۱	۰/۰۱۶۵
آماره F		۱۰/۸۹۲۵۳	دوربین واتسون		۱/۷۴۸۹۹۵
احتمال آماره F		۰/۰۰۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۹۱۲۹۰

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه دوم

همان‌طور که در نگاره (۵) مشاهده می‌شود، برای این مدل آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۹۴۵۹ است و خودهمبستگی بین متغیرها وجود ندارد. همچنین مقدار احتمال مربوط به آماره F برای تصریح برابر صفر است و معناداری آماره F نشان‌دهنده معناداری کلی مدل پژوهش است. در نتیجه، نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل برابر ۰/۵۰ است. این آماره

نشان می‌دهد که ۵۰ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل و متغیر تعاملی و متغیرهای کنترلی توصیف‌پذیر است. با توجه به ضریب به دست آمده از محافظه‌کاری * سیاست پولی (۰/۰۳۱۶-) و مقدار احتمال مربوط به آماره t محافظه‌کاری * سیاست پولی (۰/۰۴۸۹) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، سیاست پولی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را تضعیف می‌کند.

نگاره ۵. سیاست پولی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را تشدید (یا تضعیف) می‌کند.

متغیر وابسته: اعتبار تجاری (TC)					
متغیر	علامت اختصاری	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	-۰/۰۵۳۶	۰/۳۵۷۸	-۰/۱۴۹۸	۰/۸۸۱۰
محافظه‌کاری حسابداری	C-Score	۰/۷۲۶۱	۰/۳۶۲۹	۲/۰۰۰۴	۰/۰۴۶۵
سیاست پولی	M	۰/۰۱۱۲	۰/۰۱۶۳	۰/۶۸۵۶	۰/۴۹۳۵
محافظه‌کاری * سیاست پولی	MC-Score	-۰/۰۳۱۶	۰/۰۱۵۹	-۱/۹۷۸۳	۰/۰۴۸۹
نرخ رشد	GROWTH	۰/۰۰۷۴	۰/۰۰۷۹	۰/۹۳۴۴	۰/۳۵۰۹
قدرت بازار	MPOWER	۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۶۶	۱/۰۰۶۸	۰/۳۱۴۹
عمر شرکت	AGE	-۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۱	-۶/۳۵۴۸	۰/۰۰۰۰
وام بانکی	LOAN	-۰/۰۱۱۲۵	۰/۰۳۲۴	-۳/۴۶۱۹	۰/۰۰۰۶
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۳۰	۰/۰۰۴۰	-۰/۷۳۸۹	۰/۴۶۰۶
جریان وجه نقد عملیاتی	CFO	۰/۰۴۸۵	۰/۰۰۵۵	۸/۷۸۶۴	۰/۰۰۰۰
نسبت دارایی جاری	LIQ	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۷۰	۰/۶۰۵۳	۰/۵۴۵۴
نسبت سودآوری	EBIT	-۰/۰۲۱۸۶	۰/۰۶۳۹	-۳/۴۲۲۰	۰/۰۰۰۷
شاخص راهبری شرکتی	GOVINDEX	۰/۰۲۸۵	۰/۰۷۷۳	۰/۳۶۹۴	۰/۷۱۲۱
آماره F		۵/۲۱۴۹۸۴	آماره دوربین واتسون		۱/۷۱۱۶۱۸
احتمال آماره F		۰/۰۰۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۹۵۲۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

منافع تأمین‌کنندگان و مشتریان محافظت کند و ایجاد روابط بین طرف‌های تجاری و شرکت‌های بورسی با اعتماد متقابل به طوری که تأمین‌کنندگان و مشتریان تمایل به پذیرفتن درجه خاصی از ریسک و ارائه اعتبار تجاری باشند، کمک می‌کند. نتیجه این آزمون با یافته‌های دای و یانگ [۱۹] که بیان کردند شرکت‌های با محافظه‌کاری بالاتر، اعتبار تجاری بیشتری در بازار کسب می‌کنند، مطابقت دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد سیاست پولی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را تضعیف می‌کند. در واقع یافته‌های پژوهش بیانگر این است که شرکت‌هایی که محافظه‌کاری بالاتری دارند، اعتبار تجاری بیشتری در

هدف از این پژوهش بررسی اثر سیاست پولی بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور دو فرضیه تدوین شده که نتایج آن‌ها به شرح زیر است:

یافته‌ها بیانگر آن است که محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مستقیم و معناداری بر اعتبار تجاری دارد. نتایج بیانگر آن است شرکت‌هایی که محافظه‌کاری بالاتری دارند، می‌توانند اعتبار تجاری بیشتری از تأمین‌کنندگان و مشتریان کسب کنند. زیرا محافظه‌کاری حسابداری بالاتر ممکن است درجه عدم‌تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد و به‌طور مؤثر از

دستیابی به نتایج مفیدتر برای صنعت‌های مختلف شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران به صورت جداگانه صورت گیرد.

منابع

۱- ایزدی‌نیا، ناصر و مسعود طاهری. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۰۱-۸۱.

۲- پورحیدری، امید و عباس غفارلو. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه‌کاری مشروط حسابداری. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۴۱-۶۲.

۳- حساس‌یگانه، یحیی، رئیسی، زهره و سید مجتبی حسینی. (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۱۳، صص ۱۰۰-۷۵.

۴- حساس‌یگانه، یحیی، علیرضا شهریاری. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۲، صص ۹۴-۷۷.

۵- خانعلی‌زاده، حمیدرضا، هاشمی، سیده شیرین و علی حیدری. (۱۳۹۲). بررسی اعتبار تجاری و عملکرد شرکت‌ها: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت.

۶- خورده فروش دیلمقانی، امیر. (۱۳۹۳). تأثیر سیاست‌های پولی بر نرخ ارز: مطالعه موردی

بازار کسب می‌کنند و این رابطه تحت سیاست پولی منفی می‌شود و در واقع باعث تضعیف این اثر می‌شود. نتیجه این پژوهش با یافته‌های دای و یانگ [۱۹] که بیان کردند شرکت‌هایی که محافظه‌کاری بالاتری دارند، اعتبار تجاری بیشتری در بازار کسب می‌کنند، و این رابطه تحت سیاست پولی سختگیرانه مثبت می‌شود و در واقع باعث تشدید این اثر می‌شود، مغایرت دارد. زیرا تأمین‌کنندگان و مشتریان دربارهٔ ارائه اعتبار تجاری با توجه به افزایش عدم قطعیت در محیط اقتصادی محتاطانه‌تر عمل خواهند کرد. در این وضعیت شرکت‌هایی که دارای محافظه‌کاری حسابداری بالاتری باشند، مزایای بیشتری در به دست آوردن اعتبار تجاری ارائه‌شده توسط تأمین‌کنندگان و مشتریان دارند.

گرچه نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در جامعه آماری ایران رابطه بین معیارهای مختلف محافظه‌کاری و اعتبار تجاری یکسان است، اما این مطلب نباید باعث شود تا فقط از یک سنجش محافظه‌کاری همانند مدل خان و واتس استفاده شود؛ بلکه می‌توان از مدل‌های دیگر محافظه‌کاری و اندازه‌گیری‌های دیگر سیاست پولی برای این پژوهش نیز استفاده کرد. این امر به نتایج مطلوبی در خصوص اینکه سیاست پولی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر اعتبار تجاری را برای تک‌تک شرکت‌ها تضعیف یا تشدید کند، منجر می‌شود. پیشنهاد می‌شود: با توجه به فرضیه اول ارائه‌شده، برای دستیابی به نتایج مفید، آزمون بین متغیرهای پژوهش برای صنایع بیشتر و بر اساس دوره زمانی بیشتری (مثلاً ده‌ساله) صورت گیرد. همچنین با توجه به فرضیه دوم ارائه‌شده، پیشنهاد می‌شود آزمون بین متغیرها بر اساس اتخاذ سیاست پولی در دوره زمانی بلندمدت به منظور

- Investment Decisions. *Journal of Accounting Finance*, Vol. 51, No. 3, Pp. 609-633.
- 14- Armstrong, C., W. Guay, and J. Weber. (2010). The Role of Information and Financial Reporting in Corporate Governance and Debt Contracting. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, No. 2, Pp. 179- 234.
- 15- Artiach, T. Clarkson, P. (2010). Conservatism, Disclosure and the Cost of Equity Capital, <http:// SSRN. Com / abstract=1673516>.
- 16- Ball, R., and Shivakumar, L. (2005). Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, No. 1, Pp. 83-128.
- 17- Basu, S. (1997). The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, No. 1, Pp. 3-37.
- 18- Cheng, L.B., and Liu, F. (2013). Bank Supervision and Discrimination: From the Perspective of Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, Vol. 1, Pp. 28-34.
- 19- Dai, B., and Yang, F. (2015). Monetary Policy, Accounting Conservatism and Trade Credit. *Journal of Accounting Research*, Vol. 8, No. 4, Pp. 295-313.
- 20- Emery, G.W. (1987). An Optimal Financial Response to Variable Demand. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 22, No. 2, Pp. 209-225.
- 21- Feltham, G.A., and J.A. Ohlson. (1995). Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 11, No. 2, Pp. 689-731.
- 22- Financial Accounting Standards Board (FASB). (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No. 8, Conceptual Framework for Financial Reporting, Norwalk, CT.
- 23- Gao, P. (2013). A Measurement Approach to Conservatism and Earnings Management. *Journal of Accounting and Economics*, Forthcoming. Vol. 55, No. 2, Pp. 251-268.
- کشورهای منتخب در حال توسعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر.
- ۷- شریفی‌رنانی، حسین، هنرور، نغمه، دایی‌کریم‌زاده، سعید و فرزانه امرالهی پورشیرازی. (۱۳۸۸)، بررسی آثار سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی از طریق کانال وام‌دهی سیستم بانکی در ایران. فصلنامه *مدلسازی اقتصادی*، سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۱۰، صص ۲۷-۴۸.
- ۸- طالب‌نیا، قدرت‌اله و مریم مهدوی. (۱۳۹۴). بررسی اثر اعتبار تجاری و عمق مالی بر میزان نگهداشت وجه نقد. فصلنامه علمی پژوهشی (دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت)، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۴۱-۵۳.
- ۹- قدیری اصلی، باقر. کلیات علم اقتصاد. ص ۲۱۹.
- ۱۰- گوگردچیان، احمد و سیمین السادات میرهاشمی نائینی. (۱۳۹۰). نقش سیاست‌های پولی و اعتباری در مدیریت چرخه‌های تجاری کشور. فصلنامه توسعه اقتصادی، سال اول، شماره ۴، صص ۶۱-۹۰.
- ۱۱- منوچهرآبادی، وحید. (۱۳۹۴). تأثیر سیاست‌های پولی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۲- مهرانی، ساسان، مرادی، محمد و هدی اسکندر. (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۱، صص ۴۷-۶۲.
- 13- Ahmed, A. S., and Duellman, S. (2011). Evidence on the Role of Accounting Conservatism in Monitoring Managers'

- 35- Mojon, B., Smets, F., and Vermeulen, P. (2002). Investment and Monetary Policy in the Euro Area. *Journal of Bank and Finance*, Vol. 26, No. 11, Pp. 2111–2129.
- 36- Ng, C.K., Smith, J.K. and Smith R.L. (1999). Evidence on the Determinants of Trade Credit Terms used in Inter-firm Trade. *Journal of Finance*, Vol. 54, No. 3, Pp. 1109-1129.
- 37- Penman, S. H. and Zhang, x. J, (2002), Accounting Conservatism Quality of Earnings and Stock Returns, *the Accounting Review*, Vol. 77, No. 2, Pp 237 – 264.
- 38- Petersen, M.A., and Rajan, R.G. (1997). Trade Credit: Theory and Evidence. *Review Financial Students*, Vol. 10, No. 3, Pp. 661–691.
- 39- Sterling, R. R. (1967) Conservatism: The Fundamental Principle of Valuation in Traditional Accounting, *Journal of Abacus*, Vol. 3, No. 2, Pp. 109-132.
- 40- Van Horen, N. (2005). *Do Firms use Trade Credit as a Competitiveness Tool? Evidence from Developing Countries*. World Bank Working Paper.
- 41- Wenfeng Wua., Oliver M. Rui b, and Chongfeng, Wu. (2011). The Relationship Between Financial Development and Trade Credit to the Amount of Funding. *Journal Research Economic*, Vol. 2, No. 1, Pp. 66-82.
- 42- Williamson, O.E. (1979). Transaction Cost Economics: the Governance of Contractual Relations. *Journal of Law Economics*, Vol. 22, No. 2, Pp. 233–261.
- 43- Ye, K.T., and Zhu, J.G. (2009). Relation Between Short Money Supply and the Allocation of Credit Resources. *Journal of Management World*, Vol. 1, Pp. 22–28.
- 44- Zhang, J., (2008). The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45, No. 1, Pp. 27–54.
- 45- Zhang, X.M., Wang, Y., and Zhu, J.G. (2012). Market Power, Trade Credit and Business Financing. *Accounting Research*, Vol. 8, No. 4, Pp. 58–65.
- 24- Garcia-Teruel, Pedro J; Pedro Martinez-Solano and Juan P. Sanchez-Ballesta. (2014). Supplier Financing and Earnings Quality. *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 41, No. 9 and 10, Pp. 1193–1211.
- 25- Garcia, J.M., Garcia, B., and Penalva, F. (2011). Conditional Conservatism and Cost of Capital. *the Accounting Review Students*, Vol. 16, No. 2, Pp. 247–271.
- 26- Gertler, M., and Gilchrist, S. (1994). Monetary Policy, Business Cycles, and the Behavior of Small Manufacturing Firms. *Quart. Journal of Economics*, Vol. 109, Pp. 309–340.
- 27- Hui, K.W., Klasa, S., and Yeung, P.E. (2012). Corporate Suppliers and Customers and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 53, No. 1, Pp. 115–135.
- 28- Iyengar, R.J and Zampelli, E.M. (2010). Does Accounting Conservatism Play? *Journal of Accounting and Finance*, Vol. 50, No. 1, Pp. 121-142.
- 29- Jiang, G.H., and Zhang, R. (2007). Conservatism or fair value: an analysis based on stock price reactions. *Journal of Accounting Research* Vol. 6, No. 6, Pp. 20–25.
- 30- Khan, M., and Watts, R., (2009). Estimation and Empirical Properties of a firm-year Measure of Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 48, No. 2, Pp. 132–150.
- 31- LaFond, R., and R. L. Watts. (2008). The Information Role of Conservatism. *Accounting Review*, Vol. 83, No. 2, 447-478.
- 32- Liu, F.W., Li, L., and Xue, Y.K. (2009). Trust, Transaction Cost and Mode of Trade Credit. *Economics Research Journal*, Vol. 8, No. 1, Pp. 130 – 133.
- 33- Lu, Z.F., and Yang, D.M. (2011). Commercial Credit: Alternative Financing or Buyers' Markets? *Journal of Manage World*, Vol. 4, NO. 4, Pp. 6–14.
- 34- Mian S, and Smith C. (1992). Accounts Receivable Management Policy: Theory and Evidence. *Journal of Finance*, Vol. 47, No. 1, Pp. 167–200.

The Effect of Monetary Policy on the Relationship between Accounting Conservatism and Trade Credit in Listed Companies of Tehran Stock Exchange

* **Y. kamyabi**

Assistant Professor of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

R. Gorjian Mehlabani

Master of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Abstract

Monetary policy is part of the economic policies of the country that, through its national monetary authorities working on a framework to coordinate, with other economic policies, the money supply is controlled so that, in accordance with the objectives of the present study the effect of monetary policy on the relationship between accounting conservatism and commercial credit during the years 1387 to 1393 is concerned. For this purpose, a sample of 70 companies listed on the Tehran Stock Exchange and variable monetary policy for the time series data is used. In this study, using panel data regression in the software Eviews 9 was used. The results of data analysis and hypothesis testing shows that the relationship between accounting conservatism and there is a significant trade credit. In addition, the findings suggest that monetary policy will weaken the impact of accounting conservatism on trade credit.

Keywords: Monetary Policy, Accounting Conservatism, Trade Credit.